

# پیش پا افتاده‌های بنیادی

رائول ونه گیم

www.ketab.ir

ترجمه

بهروز صفدری

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۴۰۰

**Banalités de base**  
Raoul Vaneigem  
*Internationale situationniste*  
Numéro 7, Avril 1962

پیش‌پافتاده‌های بنیادی  
ترجمه بهروز صفدری



نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده  
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰  
شمارگان: ۱۱۰۰  
طراح جلد: حکمت مرادی  
چاپ و صحافی: سپیدار  
ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

**فهرست کتابخانه ملی**

سرشناسه: وانزام، راثول، ۱۹۳۴ - م. Vaneigem, Raoul □ عنوان و نام  
پدیدآور: پیش‌پافتاده‌های بنیادی/ راثول ونه‌گم؛ ترجمه بهروز صفدری □  
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۸ □ مشخصات ظاهری: ۱۵۸ ص.  
شابک: ۳-۱۷۰-۴۹۰-۶۰۰-۹۷۸ □ وضعیت فهرست‌نویسی: فیا □  
یادداشت: عنوان اصلی: 1995, c Banalités de base □ موضوع: رادیکالیسم  
-- اروپا Europe -- Radicalism؛ تمدن Civilization؛ پیشروگرایی  
(زیبایی‌شناسی) -- اروپا Europe -- Avant-garde (Aesthetics) □ شناسه  
افزوده: صفدری، بهروز، ۱۳۳۰ - ، مترجم □ رده‌بندی کنگره: HN۲۸۰  
□ رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۴۸۴۰۹۴ □ شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۲۵۶۵۴

مرکز پخش: آسیم

تلفن و دورنگار: ۵-۸۸۷۴۰۹۹۲

فروشگاه اینترنتی: [www.nashrenow.com](http://www.nashrenow.com)

قیمت: ۵۰۰,۰۰۰ ریال

## پیش‌گفتارِ مترجم

انتشارِ ترجمه‌ی فارسی پیش‌پاافتاده‌های بنیادی در تداوم طرحی بلندمدت جای می‌گیرد که خواستش شناساندنِ اندیشه‌ی رادیکالِ انتقادی برای ایجاد تغییر و تحول در چشم‌انداز نقدِ اجتماعی در ایران و در زبان فارسی است. این طرح بر محور آثار جنبشی شکل گرفته که به نام انترناسیونال سیتواسیونیست در ۱۹۵۷ اعلام موجودیت و در ۱۹۷۲ خود را منحل کرد.

از همان آغاز آشنایی‌ام با آثار جنبش سیتواسیونیست‌ها یا موقعیت‌سازان، در اواخر دهه‌ی پنجاه و اوایل دهه‌ی شصت خورشیدی، میل و اشتیاقی سرشار به ترجمه و معرفی آنها به فارسی و فارسی‌زبان‌ها در من زاده شد، به‌ویژه ترجمه‌ی دو اثر نظری بنیانگذارانه‌ی این جنبش، یعنی جامعه‌ی نمایش از گی دوبور، و رساله‌ی زندگی دانی برای استفاده‌ی نسل‌های جوان از راثول ونه‌گم، هر دو کتاب در سال ۱۹۶۷ منتشر می‌شوند، اما مواد و مفادِ نظری این دو متن پیش‌تر در نشریه‌ی انترناسیونال سیتواسیونیست انتشار یافته بود.

درباره‌ی روندِ ترجمه‌ی این آثار به فارسی، من در فرصت‌هایی (مصاحبه با روزنامه‌ی شرق، ۲۳ شهریور ۱۳۹۳، و در مجموعه مقاله‌هایی

که طی چهار سال گذشته در وب‌سایت منتشر کرده‌ام)، موضوع را تا حد امکان بررسی کرده و به اطلاع خوانندگان علاقه‌مند رسانده‌ام.

اکنون پس از گذشت نزدیک به سه دهه از نخستین اقدام خود در انتشار اولین متن مربوط به جنبش سیتواسیونیستی (نشریه‌ی همایش، تابستان ۱۳۷۱) و عبور از موانع و انواع خارهای مغیلان (مادرِ غولان!)، و با انتشار سه متنِ جامعه‌ی نمایش، تفسیرها و مقدمه‌ی چهارمین چاپ به زبان ایتالیایی (نشر آگه) از گی دوبور، و متن‌های در ستایش تن‌آسایی پالایش‌یافته (نشر بازتاب‌نگار)، بین‌المللِ نوع بشر و اعلامیه‌ی حقوق موجود انسانی (نشر کلاغ) از راثول ونه‌گم، همراه با نشر مجازی شمار بسیاری مقاله و جستار در همین زمینه در وب‌سایت شخصی‌ام، (از جمله متن فقر و فلاکت در محیط دانشجویی، از مصطفی خیاطی)، آن‌قدر دل و جرات پیدا کرده‌ام که این حرفِ دل‌داری‌دهنده‌ی راثول ونه‌گم را با خود به‌نجوا بگویم که گویا «ابلیت با ماست!»...

جان کلام این ماجرا و انگیزه‌ام در راهی این راه شدن را من در سرلوحه‌ی وب‌سایت‌م این‌گونه بیان کرده‌ام:

نام بعضی نفرات، رزقِ روح شده است، وقت هر دلتنگی، سوشان دارم دست، جرأت‌م می‌بخشد، روشنم می‌دارد. میل به اشتراک و تقسیم شیفتگی‌ها همیشه برای من انگیزه‌ی نوشتن و ترجمه بوده تا از نفراتی که رزقِ روح من شده‌اند بگویم. اگر سرنوشت‌ها و تقویم‌های مقدّر و جبری انسان را تاکنون بت‌هایی رقم زده‌اند که حاکم بر زنده‌مانی او بوده‌اند، سرنوشت و تقویم خودخواسته و خودساخته‌ی انسان را اما زندگانی واقعی او رقم می‌زند. از سویی، زنده‌مانی و بقا، جبرِ مقدّر، توالی مکانیکی و کمی آنات و واحدهای زمانی (instants) در افقی از تکرار و سپری شدنِ یک‌نواخت. از سوی دیگر، توزیع و تبدیل این آحادِ زمانی به لحظه‌های کیفی (moments) و آفریدنِ موقعیت‌ها در زندگی

روزمره. تبدیل سرشتِ تقدیرِ تحمیلی و زمانِ ازخودبیگانه به سرنوشت و زمانِ خودآفریده، به کودکیِ زمان یا زمانِ کودکی. بازی کردن با زمان، بازی کردنِ زندگی. اما این زمان‌مندیِ انسان در عین حال به مکان‌مندی او آمیخته است. مجموع این دو بُعد چیزی را رقم می‌زند که من آن را «دهکده»ی ذهنیتِ خود می‌نامم. نوشته‌هایم بازتابی از حال و هوای این دهکده و «هم‌ولایتی»های اندیشگی من است.

میدان و محور اساسی در این دهکده‌ی ذهنیت برای من آثار سیتواسیونیست‌ها بوده است. ترجمه‌ی آثار و معرفی جنبش سیتواسیونیست‌ها را نیز بنا به درک و دریافتم از نقد و اندیشه‌ی رادیکال انجام داده و می‌دهم. دوستی و معاشرت با اعضای بازمانده‌ی این جنبش و به‌ویژه با رائول ونه گم، هم به شناخت عمیق‌تر من از این جنبش کمک کرده و هم انگیزه‌ی مرا در تداوم این کار شدت بخشیده است.

اما وجه تسمیه این واژه‌ی «سیتواسیونیست» چیست؟

در توضیح وجه تسمیه این کلمه، به‌خصوص با استفاده از اطلاعات خوبی که پاتریک مارکولینی در کتابش درباره‌ی سیتواسیونیست‌ها آورده است، به‌اختصار چنین می‌توان گفت: خاستگاه این مفهوم چندان واضح نیست اما کاربرد آن در سال‌های پس از جنگ دوم در حوزه‌ی روشن‌فکری فرانسه به هر حال آرای ژان پل سارتر را تداعی می‌کرد که در سال ۱۹۴۳ در کتاب هستی و نیستی، مفهوم «موقعیت» را همچون درون‌مایه‌ای مهم به کار برده بود، و سپس با انتشار سه جلد نخست از اثری به نام موقعیت‌ها موضع‌گیری‌های مختلف نظری‌اش را در زمینه‌ی ادبیات، سیاست و هنر بیان کرده بود. مضمون «موقعیت» یا «سیتواسیون» در آرای سارتر از بعضی جهات با معنایی که سیتواسیونیست‌ها برای این کلمه قائل شدند شباهت‌هایی دارد: در هر دو مورد، موقعیت همچون وحدتی از سوژه-ابژه اندیشیده می‌شود که همزمان در مکان و در زمان

مندرج است و حاوی امکان یک دگرگون‌سازی دیالکتیکی. مثلاً سارتر می‌گوید که سوزۀ با «ساختن» موقعیت «خود را می‌سازد»، و «برعکس». و سیتواسیونیست‌ها این موضوع را چنین فرمول‌بندی می‌کنند: «سازنده‌ی موقعیت، اگر به زبان مارکس بگوییم، با کنش بر طبیعت بیرونی و دگرگون‌ساختن آن با حرکات خویش [...] همزمان طبیعت خویش را دگرگون می‌سازد.»

با وجود چنین شباهت‌هایی، سیتواسیونیست‌ها هیچ‌گاه نخواستند به هیچ نحوی با سارتر در یک طیف قرار داده شوند. اما به هر حال، پیش از آن‌که جنبش لتریست‌ها، یعنی خاستگاه سیتواسیونیست‌ها، در سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳، آفرینش و تکثیر موقعیت‌های شورانگیز در زندگی روزمره را محور افکار و اعمال خود قرار دهد، سارتر در کتاب تهوع، از زبان شخصیت‌های رمان نظریه‌ی «لحظات کامل» و «موقعیت‌های ممتاز» را مطرح کرده بود. در بخشی از گفت‌وگوی دونفره‌ی شخصیت‌های این رمان سرشت و ارزش چنین موقعیت‌هایی همچون چیزی بهتر از اثر هنری توصیف می‌شود. لتریست‌های جوان نیز بر اساس معنایی که برای موقعیت قائل‌اند مفهوم فرازوی از هنر را پیش می‌نهند. منبع و پیشینه‌ی دیگری که می‌توان برای کاربرد کلمه‌ی موقعیت در جنبش لتریستی و سپس در جنبش سیتواسیونیستی ذکر کرد، بخش‌هایی از کتاب عشق دیوانه‌وار از آندره بروتون است. آنجا که وی از «حاملان کلیدهای موقعیت» سخن می‌گوید.

اما فارغ از موضوع تأثیرپذیری سیتواسیونیست‌ها از پیشینه‌ی کاربرد این مفهوم در حوزه‌ی فلسفی یا زیباشناسی، تفاوت و تمایز اساسی در کاربرد اجتماعی این مفهوم در پراکسیس یا کرداراندیشی انقلابی سیتواسیونیست‌هاست. می‌توان گفت که این جنبش مدام و تا به آخر امر انضمامی و هستیانه یا اگزیستانسیال را به اگزیستانسیالیسم، و

امر اجتماعی را به هستی‌شناسی انتزاعی ترجیح داد. بنابراین، مفهوم موقعیت برای سیتواسیونیست‌ها بر اساس ماده‌گرایی و با الهام‌گیری جامعه‌شناختی و روان‌شناختی معنا می‌یابد تا بتواند در تجربه‌ی انضمامی آزموده و سنجیده شود. و درست در این راستاست که تحلیل‌ها و مفاهیم مطرح‌شده توسط هانری لوففور، به‌ویژه «نقدِ زندگی روزمره»، و «تئوری لحظات» او، در قوام‌یابی مفهوم موقعیت در جنبش سیتواسیونیست‌ها سهمی اساسی ایفا می‌کند.

به هر حال باید به یاد داشت که گوی دوپور در آوریل ۱۹۵۲، یعنی حتی پیش از تشکیل بین‌المللی لتریست در اولین روایتِ فیلمِ خودش، زوزه‌هایی به‌شماره ساد، چنین می‌گوید: «باید علمی [در شناخت] موقعیت‌ها ساخته شود علمی که از روان‌شناسی، آمار، شهرسازی و اخلاق عناصری را وام خواهد گرفت. این عناصر باید به تحققِ هدفِ مطلقاً نوینی یاری رسانند: آفرینشِ آگاهانه‌ی موقعیت‌ها.» منظور و باورِ اساسی سیتواسیونیست‌ها این است که انسان‌ها باید سرانجام به درک و فهمِ شرایطی که بر جریانِ زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد دست یابند، و بر پایه‌ی این فهم، از حالتِ انفعالیِ رایج نسبت به این شرایط به خواستی فعال در جهتِ تغییرِ این شرایط، از طریقِ سامان‌بندیِ آگاهانه‌ی بافتارها، اشخاص و مکان‌ها، گذر کنند. کند و کاوِ سیتواسیونیستی در زمینه‌ی آفرینشِ آگاهانه‌ی موقعیت، با تجربه‌ی عملیِ الگوهای توأم است: موقعیت‌های جنجال‌برانگیز، موقعیت‌های جشن و سور و سات، موقعیت‌های عاشقانه؛ با توجه به معنای خاص و تعیین‌کننده‌ای که مفاهیمی چون بازی، شعر و انقلاب در این جنبش داشته است. در ضمن استفاده از کلمه‌ی بین‌المللی، یا انترناسیونال، پیش‌تر در جنبش لتریست آغاز شد و بعد با سیتواسیونیست‌ها نیز ادامه پیدا کرد. همچون ارجاعی به تجاربِ سازمان‌یابی در جنبشِ کارگری قرن نوزده.